

ما بازی نیستیم



علی مسعودینیا

نویسنده

هر چه از دوران کودکی و اوایل انقلاب و جنگ و ماجراهای سیاسی دهه‌های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ دیده‌ام یک طرف و این چهار، پنج سال اخیر و رخدادها ریز و درشتش یک طرف. شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و مناسبات بین المللی سایر کشورهای جهان، در منطقه همیشه ملتهب و همواره در حالت هشدار خاورمیانه، در این سال‌ها وضعیتی را رقم زده که از منظر تواتر و توالی و سرعت رخدادها بزرگ و پرتنش داخلی و خارجی باورنکردنی جلوه می‌کند. چه بسیار روزها که از خواب برخاستیم و با چشمانی گرد از حیرت یک تش بزرگ و تکان دهنده یا یک فاجعه عظیم را شنیدیم. چه بسیار شب‌ها که از دلپره و وحشت رخدادها احتمالاً فردا تا صبح نخفتیم و منگ و کلافه این شبکه و آن شبکه و این سایت و آن کانال را در جست‌وجوی مزه‌ای امیدبخش کاویدیم. روندی که شخصاً طی این سال‌ها طی کردم و فکر می‌کنم بسیاری دیگر از هم‌پیمانم نیز مشاهیر را تجربه کرده باشند، روند فروکاستگی به حد یک ناظر صرف است. نمی‌خواهم بگویم فقط در ایران چنین است و مردم سایر ممالک جهان وسط عرصه و صحنه‌اند. واضح است که در سطح جهانی شکل بازی عوض شده است و نه فقط مردم عادی که بسیاری از نهادهای حقوقی، نظارتی و سیاسی (و در صدرشان همین سازمان بی‌بخار ملل) در عمل نشسته‌اند و نگاه می‌کنند ببینند کار به کجا می‌کشد و که می‌زند و که می‌خورد. درست مثل تماشاگران یک مسابقه پینگ‌پنگ که مداوم گردن به راست و چپ می‌چرخانند و رفت و برگشت توپ بین دو حریف را دنبال کنند و دخالتی در سرنوشت توپ ندارند. بله، شاید تمام جهان کم‌وبیش همین وضعیت را تجربه می‌کند، اما آیا قرار بوده ما نیز شبیه تمام جهان باشیم؟ آیا ایده‌ها، شعارها و وعده‌های جریان‌ساز نیم‌قرن اخیر قرار بوده ما را چنین منفعل، بی‌قدرت و تنها نظاره‌گر بسازد؟ رویای «همیشه در صحنه» بودن کجاست پس؟ چرا به هر طرف که می‌رویم اهالی قدرت و سیاست می‌خواهند به ما بفهمانند که بازی نیستیم، جایی در تعیین مسیر این رخدادها نداریم و باید رفت و برگشت توپ را نظاره کنیم و بس؟ پروژه نامحرم‌انگاری بخش وسیعی از جامعه، سال‌هاست که کلید خورده است و توزیع نادانگراانه و سلیقه‌ای موقعیت و امکان مداخله، اعتراض و حضور در عرصه سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی چنان بخشی از جامعه را از هرگونه بخت سالم و قانونی کنشگری دور ساخته که آدمی گاه حس می‌کند همین که حداقل‌های یک شهروند درجه چندم را برایش قائل هستند، باید سپاسگزار هم باشد. ما بازی نیستیم. در هیچ یک از رسانه‌ها تصویر، صدا و مجال ظهوری نداریم، با اکثر نمایندگان سیاسی‌مان بیگانه‌ایم، روزی صدبار می‌بینیم که مسئولان خلاف خواست، صلاح و علاقه‌مان عمل می‌کنند، در تعیین ارزش‌ها و ضدارزش‌هایشان کسی از ما نظری نمی‌خواهد، کسی بابت خطاهایش از ما دلجویی نمی‌کند، لازم نمی‌دانند از مقامش کناره بگیرد و شرمند نمی‌شود. انگار این شکل از روابط با شهروندان چون تقدیری غیرقابل تغییر، چون سرنوشتی اسطوره‌ای ما را در بر گرفته و تقلاهای ما حریف این پیشانی‌نویشت نخواهد شد. نمی‌گویم اگر بازی عوض می‌شد همه چیز بی‌خطا و بی‌گزند پیش می‌رفت. در این جبر جغرافیایی و تاریخی بسیارند مسائلی که از دایره قدرت یک کشور، یک دولت و یک جامعه بیرون هستند اما اگر بازی بودیم، بخشی از مسئولیت‌هاها نیز بر دوش خودمان بود. تجربه کسب می‌کردیم، هوشیارتر می‌شدیم و دست‌کم در مواقع بحرانی با سیاستمداران همدلی و همراهی بیشتری به خرج می‌دادیم. اصلاً دست‌کم‌اش امکان دیالوگی وجود می‌داشت و تلاش می‌کردیم حرف یکدیگر را بفهمیم. شرایط یکدیگر را درک کنیم و مدام با الگوهای انتزاعی ما هم سرش‌خا نشویم. این دوره از تاریخ به شهادت همان تواتر و توالی رخدادهای تکان دهنده‌اش حتماً برای آیندگان جذاب و آموزنده خواهد بود. روزگاری خواهد آمد که نسل‌های آینده، این دوران را مرور خواهند کرد و خواهند دانست که چگونه خارج کردن بدنه جامعه از بازی سیاست و کوتاه کردن دستش از تعیین مسیر آینده‌اش می‌تواند به گسیختن، فروپاشی و تزلزل اجتماعی منجر شود و چگونه ارزش‌های فردی آحاد جامعه را زیر سوال برد و هر شهروند را بدل سازد به موجودی خشمگین، عافیت‌اندیش، ناهمدل با دیگران و بی‌توجه به مسائل حیاتی سیاست، اقتصاد و فرهنگ. تا آن زمان نه که از تلاش برای خروج از این انفعال دست بکشیم، اما عجات‌گویی باید به سیاق سابق مثل تماشاگران مسابقه پینگ‌پنگ، گردن به چپ و راست بچرخانیم و ببینیم سرنوشت ما را به کجا می‌برد؛ شکلی از زیستن که شایسته انسان امروزی نیست.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی

• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • امید عرب (مدیر آنلاین)
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



دوباره کشور ثالث؟

بعد از پاسخ نظامی ایران به اسرائیل
برخی تیم‌های عربستانی خواهان بازی در کشوری دیگر شدند

وضعیت مشابه در اوکراین

اما برای اینکه بیش از پیشتری نسبت به این ماجرا در حوزه فوتبال داشته باشیم، بد نیست شرایط مشابه در کشورهای دیگر را نیز بررسی کنیم. بعد از حمله نظامی روسیه به اوکراین، مسابقات فوتبال در کشور اوکراین و روسیه به مدت سه‌ماه به حالت تعلیق درآمد. فیفا اعلام کرد، بازیکنان تیم‌های روسی و اوکراینی می‌توانند به‌صورت قرضی و رایگان به هر تیمی که تمایل دارند ملحق شوند و قطعاً متحمل ضرر و زیان مالی نیز نخواهند شد. شهاب زاهدی، بازیکن ایرانی یکی از تیم‌های اوکراینی نیز از همین بند فیفا استفاده کرد و فصل گذشته به‌صورت رایگان به پرسپولیس پیوست و اتفاقاً نمایش خوبی نیز از خودش به جای گذاشت. گفتنی است بازی تیم‌های فوتبال اوکراینی نیز به‌دلیل شرایط جنگی در این کشور، در کشور ثالث برگزار می‌شود. راه دور نرویم. دیدار حساس شاختاردونتسک و اتالانتا ایتالیا به میزبانی شاختار اوکراین قرار است در کشور آلمان و ورزشگاه خانگی شالکه برگزار شود. در واقع نماینده اوکراین از میزبانی در شهر و کشور خودش محروم است و این موضوع دقیقاً از زمانی آغاز شد که فوتبال بار دیگر در این کشور از سر گرفته شد. فوتبال داخلی در اوکراین به‌راحتی برگزار می‌شود اما مسابقات بین‌المللی به کشورهای ثالث می‌رود و عملاً هیچ تیم خارجی‌ای به اوکراین نمی‌آید. در خصوص روسیه نیز نکته حائز اهمیت این است که فیفا تمام تیم‌های باشگاهی این کشور را برای مسابقات بین‌المللی محروم کرده و فقط مسابقات داخلی در این کشور در حال برگزاری است و به دلیل محرومیت تیم‌ها، آنها هیچ نماینده‌ای در لیگ قهرمانان اروپا ندارند. هفته گذشته نیز شاختار در شهر هامبورگ آلمان از رقیب خود میزبانی کرد. در واقع خاک آلمان حالا میزبان تیم‌های اوکراینی است تا شرایط به روزهای اول خود نزدیک شود. گفتنی است بعد از خروج اکثر نظامیان آمریکایی از کشور عراق، حالا تیم‌های عراقی نیز در کشور خودشان از رقبای خود میزبانی می‌کنند. هفته پیش بود که النصر عربستان به کربلا رفت تا در دیداری رسمی مقابل الشرطه عراق صف‌آرایی کند، اما حالا النصر نمی‌خواهد به ایران بیاید.

واکنش فدراسیون فوتبال ایران

باتوجه به نامشخص بودن پاسخ اسرائیل و عدم قطعیت نسبت به پایان یافتن مناقشه فعلی، مشخص نیست فدراسیون فوتبال چه واکنشی به درخواست النصر عربستان خواهد داشت. البته که طبق روال حقوقی، فدراسیون فوتبال به دفاع از شرایط موجود ازش می‌کند. در کشور برقرار است خواه‌پراخت تا تیم‌های خارجی برای مسابقات به ایران سفر کنند. هر چند هم‌زمان با برگزاری دیدار حساس سپاهان اصفهان با استقلال خابکبستان در ورزشگاه فولادشهر، عبور موشک‌های سپاه پاسداران از فرار ورزشگاه فولادشهر ننگه‌ای بود که نمی‌توان از آن عبور کرد؛ چراکه روی کیفیت فنی دو تیم نیز چنین صحنه‌هایی تأثیر بسزایی داشت. البته که بحث غرور ملی و پاسخی که باید داده می‌شد، قابل قیاس با افت فنی یک مسابقه فوتبال نیست. گاریدو، سرمربی اسپانیایی پرسپولیس از میزبانی‌های بسیاری کیفیت در ورزشگاه‌های نامناسب به‌شدت شاک می‌کند و حتی زمزمه‌هایی مبنی بر میزبانی پرسپولیس در کشورهای ثالث، قبل از اتفاقات اخیر به گوش می‌رسید که حالا شاید این موضوع توفیق اجباری شود که تیم‌های ایرانی حداقل بتوانند در کشور ثالث و زمین چمن با کیفیت از رقبای خود میزبانی کنند. ورزشگاه شهر قدس، چمن نامطلوبی دارد و بازی روی چنین زمین صدماتی برای بازیکنان تیمی را در آورده است. ورزشگاه تختی که روز گذشته (ملا!) آماده برگزاری مسابقات فوتبال شد چنان چمن نامطلوبی دارد که باید گفت، ورزشگاه شهر قدس صدرابار از تختی تهران بهتر است. ورزشگاه آزادی هم بعد است حتی به مسابقات تا قبل از عید نوروز برسد چراکه سکوها و جایگاه ویژه هنوز آماده نیستند و وضعیت چمن آزادی نیز تفاوتی با چمن زمین‌های کشاورزی ندارد. برای تیم‌های ایرانی شاید مطلوب‌تر باشد تا با همکاری فدراسیون فوتبال آسیا، میزبانی‌های ایران به کشور ثالث برود؛ در غیر این صورت باید شکست‌ها و تساوی‌های پیاپی را در ایران شاهد باشیم. زیرساخت نداریم و شاید یکی از دلایلی که تیم‌های عربی چنین درخواستی را مطرح کردند همین موضوع باشد، نه صرفاً موضوع امنیت منطقه‌ای.



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

تحولات اخیر منطقه باعث شده است تا بار دیگر برخی تیم‌های عربی از کنفدراسیون فوتبال آسیا درخواست دیدارهای خانگی نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان و لیگ نخبگان آسیا به کشور ثالث بدهند؛ موضوعی که در موقعیت کنونی و باتوجه به آماده نبودن زیرساخت‌های استادیوم‌ها شاید برای تیم‌های ایرانی حتی مفیدتر باشد چون عملاً هیچ تیم ایرانی ورزشگاه با کیفیت برای میزبانی ندارد. در این گزارش قصد داریم نگاهی داشته باشیم به این موضوع که در روزهای بحرانی یا تنش‌زای منطقه یا کشور، تیم‌های باشگاهی برای برگزاری مسابقات فوتبال دچار چه چالش‌هایی خواهند شد؛ چالش‌هایی که بعضاً مثبت و گاهی منفی خواهد بود.

هندها چطور مطلع بودند؟

یکی از اتفاقات عجیب و غیرقابل باور عدم حضور تیم فوتبال ایران در کشور هند به تیریز بود که باعث تعجب مقامات کنفدراسیون فوتبال آسیا و سران باشگاه تراکتور شد. این مسابقه قرار بود روز گذشته از سری رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا در تیریز برگزار شود که نماینده هند اعلام کرد به‌دلیل شرایط ناامن حاضر نیست به ایران سفر کند. نکته عجیب این است که غیبت این تیم و اطلاع آن به مسئولان ای افسی، قبل از پاسخ نظامی ایران به اسرائیل بود. برای همه پرا واضح بود که با شکایت تراکتور قطعاً نتیجه این مسابقه سه‌بر صفر به سود تراکتور می‌شد. اطمینان از پیروزی تراکتور در این مسابقه به‌دلیل غیبت نماینده هند تا جایی پیش رفت که در اگان اسکوچچ روز سه‌شنبه در نشست خبری قبل از بازی در جمع خبرنگاران اظهار کرد: «واقعاً نمی‌دانم که تیم هندی به چه دلیل به ایران نیامده است. دوست دارم این تیم خودش را تا فردا به محل مسابقه برساند و بازی انجام شود تا خدشه‌ای به اعتبار لیگ قهرمانان آسیا وارد نشود.» اما دقیقاً ۲۴ ساعت بعد از غیبت موهان هند، پاسخ نظامی ایران آغاز شد تا شانس پیروزی تراکتور نیز از بین برود. حالا هندها با استناد به همین اتفاق اخیر می‌توانند مسابقه تیم‌شان با تراکتور را به کشور ثالث ببرند؛ نکته‌ای که صرفاً می‌توان براساس گمانه‌زنی اعلام کرد این است که دولت هند از طریق دولت آمریکا از اتفاقات اخیر، زودتر از رخ‌دادش مطلع شده است چراکه پیش‌تر در خبرها داشتیم دولت ایران قبل از پاسخ نظامی به اسرائیل، این موضوع را به دولت آمریکا اطلاع داده بود.

النصر رنگ دوم را به صدا درآورد

شاید کمتر کسی به این موضوع توجه کرده باشد که تنها کشور آسیایی که کریس رونالدو در ایام برگزاری مسابقات لیگ قهرمانان به آن سفر کرده، کشور ایران است. رونالدو حتی به قطر، امارات و هفته پیش به عراق هم سفر نکرد و در عربستان ماند اما سال گذشته برای دیدار النصر مقابل پرسپولیس به ایران آمد و طی مصاحبه‌ای که بعداً داشت اعلام کرد، یکی از بهترین مهمان‌نوازی‌ها را از مردم ایران دیده و عشق و علاقه‌شان را از نزدیک حس کرده است. دویسن دنبال انوبوس حامل بازیکنان و اعضای کادر فنی النصر، همچنین تجمع باورنکردنی مقابل هتل محل اقامت این تیم، از روزهای فراموش‌نشده رونالدو عنوان شده است. با این حال اما باشگاه النصر با انتشار نامه‌ای رسمی از کنفدراسیون فوتبال آسیا درخواست کرد، دیدار حساس این تیم با استقلال که قرار است یک‌ماه در تهران برگزار شود را به ورزشگاه و کشور ثالث تغییر مکان دهد چرا که آن‌ها شرایط ایران و البته منطقه را نامن تلقی کرده‌اند. کنفدراسیون فوتبال آسیا هنوز پاسخی به این درخواست نداده اما سابقه نشان داده که باتوجه به فاصله کم دیدار دو تیم و پاسخ نظامی ایران به اسرائیل بعید نیست ای افسی به درخواست النصر پاسخ مثبت دهد و بازی به کشور دیگری منتقل شود که آنچنان هم به سود استقلال نیست. البته این مسئله به‌دلیل کیفیت و حشنگ‌ها زمین تختی و شهر قدس، شاید با استقبال استقلال نیز همراه شود.

چهره

راوی رنج مردمان جنوب

احمد محمود، نویسنده نامدار و خالق زمان‌های «همسایه‌ها»، «داستان یک شهر»، «مدار صفر درجه»، «درخت انجیر معابد» و «زمین سوخته» چهارم دی‌ماه ۱۳۱۰ در اهواز به دنیا آمد. نخستین مجموعه داستان کوتاه او به نام «مول» در سال ۱۳۳۸ چاپ شد؛ مجموعه‌ای که حضور احمد محمود را در مقام نویسنده‌ای جست‌وجوگر و قدرتمند اعلام کرد. داستان‌های «مول» به‌عنوان نخستین تجربه محمود سرشار از مشاهدات دقیق درباره کار و زندگی مردم عادی بود و در ادامه گستره قصه‌های سرزمین داغ جنوب و زندگانی ساده و پررنج مردم آن دیار بود. محمود را نویسنده‌ای پیرو مکتب رئالیسم یا واقع‌گرایی اجتماعی می‌دانند؛ نویسنده‌ای که از متن جامعه و از انسانی می‌نویسد که او را به خوبی می‌شناسد. احمد محمود، نویسنده‌ای پرکار بود که طی سال‌های فعالیت خود آثار ادبی زیادی خلق کرد و در وصف خود در جایی گفته بود: «اگر چه در مشاغلی که لازمه تامین هزینه زندگی بود، ناپایدار بودم ولی در اندیشیدن به نوشتن پایدار و حتی سجع!» او ۱۲ مهرماه ۱۳۸۱ در بیمارستانی در تهران درگذشت و در امام‌زاده طاهر کرج به خاک سپرده شد.



کتابخانه

آن ور هنر

پیوند هنر با اخلاق و سیاست یکی از آن دغدغه‌های میان‌رشته‌ای است که در جهان امروز از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. تزوتان تودوروف، اندیشمند بلغاری تبار فرانسوی، در کتاب «حد و مرزهای هنر» در مقاله موزج به تشریح این پیوند پرداخته است. تمرکز تودوروف در مقاله اول به‌طور مشخص بر رابطه نزدیک هنر آوانگارد با سیاست رادیکال در روسیه پیشاانقلابی، ایتالیایی فاشیستی و آلمان پیشاانقلابی است. ایده مرکزی و رادیکال این مقاله روشن است: ویران کردن و نوساختن ریشه‌ای، یک‌بار در عرصه جامعه و یک‌بار در عرصه هنر.

حد و مرزهای هنر

نویسنده:

تزوتان تودوروف

مترجم:

اران ابراهیمی

مدیسه

انتشارات: بیدگل

مقاله دوم - که در ادامه مقاله نخست، به دغدغه‌های اخلاقی تودوروف در پیوند با هنر صراحت بیشتری می‌بخشد - به این پرسش دیرینه می‌پردازد که آیا هنرمند باید خودبسنده و به کلی فارغ از ملاحظات بیرونی باشد یا آنکه در عین پاس داشتن مرزهای خود، حد خودش را نیز بشناسد و مرزهایش را به‌نحوی شایسته به روی جهان خارج و ملاحظات خطیر سیاسی، اخلاقی آن گشوده نگاه دارد.

تاریخ

صدور قطعنامه ۵۲۲

به دنبال عملیات مسلم‌بن عقیل و موفقیت ایران، عراق از شورای امنیت خواست به منظور بررسی اوضاع منطقه، تشکیل جلسه بدهد. سه روز بعد، شورای امنیت در ۱۲ مهرماه ۱۳۶۱ تشکیل شد و قطعنامه ۵۲۲

سازمان ملل متحد به تصویب رسید. پیش از تصویب قطعنامه، وزیر خارجه مراکش به نمایندگی از کشورهای عربی، عراق را کشوری صلح‌طلب خوانده بود و از ایران خواسته بود با هیئت‌های صلح همکاری کند. بعد از آن متن قطعنامه که توسط نماینده اردن به‌عنوان رئیس موقت شورای امنیت تنظیم شده بود، به رأی گیری گذاشته شد و با ۱۵ رأی موافق تصویب شد. در این قطعنامه از طرفین خواسته شده بود تن به آتش‌بس و خاتمه فوری تمام عملیات نظامی بدهند و به مرزهای شناخته‌شده بین‌المللی عقب‌بنشینند. عراق به سرعت موافقت خود را با این قطعنامه اعلام کرد. ایران اما با متن این قطعنامه مخالف بود و از جمله بدین اعتراض داشت که متن این بیانیه را کشور اردن تنظیم کرده است که به‌صورت علنی از کشور عراق حمایت می‌کند. جز این در این قطعنامه به مسئله متجاوز بودن عراق تصریح نشده است و راهکارهای عملی جبران خسارت نیز در نظر گرفته نشده است.